



«ایران» تقابل نسل‌های فوتبال ملی بعد از جام جهانی ۲۰۲۶ را بررسی می‌کند

تاریخ‌سازی روی کاغذ

سینا حسینی / ناکامی تیم ملی فوتبال ایران در جام جهانی ۲۰۲۶، بار دیگر یکی از الگوهای تکراری و نه چندان رضایت‌بخش در فضای فوتبال کشور را برجسته کرد: الگویی که افکار عمومی را درگیر شکل‌گیری یک دوگانه میان نسل فعلی و نسل‌های گذشته می‌کند. فضایی که به‌جای کمک به تحلیل فنی و ریشه‌یابی مسائل، اغلب به میدان تقابل‌های احساسی، گناه‌های رسانه‌ای و فضات‌های شتاب‌زده تبدیل می‌شود. تداوم چنین وضعیتی نه‌تنها کمکی به پیشرفت فوتبال نمی‌کند، بلکه می‌تواند به فرسایش سرمایه اجتماعی و تخریب چهره‌های ورزشی منجر شود.

در روزهای پس از حذف تیم ملی، برخی اظهارنظرها از سوی بازیکنان فعلی بویژه با تکیه بر گزاره‌هایی مانند «تاریخ‌سازی بدون شکست» ناخواسته این ذهنیت را در میان هواداران تقویت کرد که بخشی از نسل کنونی در حال بازتعریف جایگاه خود در تقابل با گذشته است. این درحالی است که مرور بازنامه

فوتبال ایران در جام‌های جهانی نشان می‌دهد هر نسل در بستر زمانی و شرایط خاص خود تجربه‌ای متفاوت داشته است. نمونه بارز این مسأله، پیروزی تاریخی برابر آمریکا در جام جهانی ۱۹۹۸ است؛ دستاوردی که به‌هیچ‌وجه نمی‌توان به‌سادگی از کنار آن عبور کرد. براین اساس، قیاس مستقیم و خطی میان نسل‌ها نه دقیق است و نه متصفا نه . عملکرد تیم ملی در جام جهانی ۲۰۲۶، با وجود تلاش بازیکنان، از دیدگاه نتیجه‌گیری قابل دفاع نبود. ولی چنین ارزیابی‌ای به معنای نادیده گرفتن تعهد و کوشش بازیکنان نیست. تیم ملی در هر دوره، حاصل مجموعه‌ای از عوامل است؛ از کیفیت فنی بازیکنان و کادر فنی گرفته تا ساختار مدیریتی، برنامه‌ریزی بلندمدت و حتی شرایط روانی و اجتماعی. تقلیل این پیچیدگی به تقابل «نسل خوب» و «نسل ضعیف»، ساده‌سازی مسأله‌ای است که نیازمند نگاهی عمیق‌تر است.

در همین چارچوب، واکنش پیشکسوتانی

چون علی دایی، کریم باقری و خداداد عزیزی به اظهاراتی مانند درخواست یکی از دروازه بان‌های تیم ملی برای ساخت مجسمه بازیکنان و سرمربی فعلی تیم ملی، امری قابل درک به نظر می‌رسد. در فوتبال حرفه‌ای جهان نیز چهره‌های شاخص در برابر اظهارنظرهایی که از نظرشان اغراق‌آمیز یا غیرمنطقی است، موضع‌گیری می‌کنند و این امر بخشی طبیعی از پویایی فضای نقد به‌شمار می‌رود.

برای درک بهتراین الگو، می‌توان به نمونه‌های مشابه در فوتبال جهان اشاره کرد. پس از حذف تیم ملی انگلیس در جام جهانی ۲۰۱۰، چهره‌هایی مانند گری لینه‌کر و آلن شیرر به‌صراحت از عملکرد تیم انتقاد کردند؛ نقدهایی تند اما در چارچوب حرفه‌ای. در مقابل، بازیکنان تیم ملی انگلیس از ورود به تقابل‌های شخصی پرهیز و تلاش کردند پاسخ را در زمین مسابقه بدهند. در آسانپا نیز پس از حذف زودهنگام در جام جهانی ۲۰۱۴، اِیکر کاسیاس در برابر انتقادات پیشکسوتانی

بهروز رهبری فر، کارشناس فوتبال در گفت‌وگو با «ایران»:

با اخلاق‌گریزی هیچ ستاره‌ای بزرگ نمی‌شود

پریسا غفاری / یک جمله انتقادی از علی دایی، کاپیتان سال‌های دور فوتبال ایران درباره عملکرد تیم ملی در جام جهانی، با واکنش تند و غیرمنتظره دروازه بان حال حاضر تیم ملی در فضای مجازی مواجه شد تا جنجال‌های زیادی در خصوص نسل‌های فوتبال ملی ایران در فضای فوتبالی شکل گیرد. حالا این پرسش برای افکارعمومی مطرح شده که آیا این رفتار و حواشی سودی برای فوتبال ایران دارد یا خیر؟

مهدوی کیا، پاشازاده، کریم باقری و در حال حاضر مهدی طارمی، علیرضا جهانبخش، سردار آزمون و تمام بازیکنانی که

برای بالابردن پرچم کشورمان تلاش می‌کنند. باید یاد بگیریم مانند اعضای ای خانواده به یکدیگر احترام بگذاریم نه اینکه به بزرگترها توهین کنیم. با توهین و اخلاق‌گریزی هیچ ستاره بازیکنی بزرگ نشده و نخواهد شد.»

بهر و ز رهبری فر، بازیکنی بزرگ نشده و نخواهد شد.»

بهر و ز رهبری فر، بازیکنی بزرگ نشده و نخواهد شد.»

از انتقادها از سوی نسل قدیم به راه افتاد. در واکنش، «تیموتی ویا» با لحنی تند منتقدان «به‌خرب» خواند و به‌طور غیرمستقیم به چهره‌هایی چون «کلیت دمبسی» طعنه زد که نسل پیشین نیز دستاورد بزرگی در جام جهانی نداشته است. «کریستین پولیسچ»، نیز با اشاره به «پیشرفت تدریجی» تیم، از فضای انتقادی گلایه کرد. این جدال در عمل بر سر تعریف «موفقیت ملی» شکل گرفت و تا قبل از جام جهانی ۲۰۲۶ ادامه داشت. در آلمان، پس از حذف تحقیرآمیز در جام جهانی ۲۰۱۸ و تداوم ناکامی در ۲۰۲۲، شکاف

مهدی پاشازاده، بازیکن پیشین تیم ملی در گفت‌وگو با «ایران»:

واژه‌ای به نام «نسل طلایی» فوتبال ایران نداریم

کارمان را انجام داده‌ایم؛ نه منتی بر کسی داریم و نه منتی را می‌پذیریم. متأسفانه دو، سه سالی است که این مقایسه‌ها شکل گرفته و اصلاً اتفاق زیبایی نیست.» بازیکن پیشین تیم ملی، نسل فعلی فوتبال را به پرهیز از ورود به حاشیه‌های غیرمفید توصیه می‌کند و می‌گوید: «هر نسلی که برای تیم ملی بازی کرده و در تورنمنت‌ها از اعتبار ایران دفاع کرده، قابل احترام است. خواهش من این است که نسل فعلی کمتر دراین باره صحبت کند. نسل ما وارد چنین بحث‌هایی نمی‌شود، اما متأسفانه بازیکنان جوان‌تر گاهی به این فضا دامن می‌زنند. حتی اگر نظرسنجی‌ها و بحث‌های فنی را کنار بگذاریم، باید بپذیریم که ما بازیکنان شاخصی داشتیم که تکرارشدنی نیستند. البته امروز هم بازیکنان قابل احترامی داریم.»

مهدی پاشازاده درباره دلایل محبوبیت نسل ۹۸ در جامعه می‌گوید: «معروف شدن آسان است، اما حفظ محبوبیت کار سختی است. نسل ما توانست دل مردم را به دست بیاورد؛

چون ژاوی و کارلس پویول، با پذیرش مسئولیت و بدون حاشیه‌سازی، رویکردی حرفه‌ای اتخاذ کرد. در آلمان هم پس از ناکامی در جام جهانی ۲۰۱۸، نسل جدید با وجود نقدهای صریح اسطوره‌هایی چون لوتار ماتئوس، از ورود به جدال‌های رسانه‌ای پرهیز کرد و تمرکز خود را بر بازسازی تیم معطوف ساخت.

وجه مشترک این نمونه‌ها، تفکیک روشن میان «نقد فنی» و «تقابل شخصی» است. در فوتبال حرفه‌ای، پیشکسوتان آزادانه نقد می‌کنند و این نقد به‌عنوان بخشی از سرمایه دانشی فوتبال تلقی می‌شود. در مقابل، بازیکنان شاغل نیز به‌جای واکنش‌های احساسی یا توهین‌آمیز، تلاش می‌کنند در چارچوبی حرفه‌ای پاسخ دهند. به همین دلیل، حتی در اوج اختلاف‌نظرها، جایگاه اسطوره‌ها و حرمت سرمایه‌های نمادین فوتبال حفظ می‌شود.

آنچه در فضای فوتبال ایران تأمل‌برانگیز است، نحوه مواجهه برخی بازیکنان فعلی با این نقدهاست. انتشار استوری‌های

نه چندان محترمانه و طرح مباحث غیرفنی برای دفاع از عملکرد، سطح گفت‌وگو را از یک بحث حرفه‌ای به تقابل‌های شخصی تنزل می‌دهد. در چنین شرایطی، به‌جای پاسخ مستدل، شاهد بزرگ‌نمایی دستاوردها و برخی اوقات تمسخر منتقدان هستیم؛ رفتاری که نه‌تنها کمکی به بهبود تصویر تیم ملی نمی‌کند، بلکه می‌تواند شکاف میان نسل‌ها را عمیق‌تر و فرهنگ نقد را تضعیف کند.

آنچه بیش از هر چیز نگران‌کننده به نظر می‌رسد، کم‌رنگ شدن مرزهای احترام میان نسل‌هاست. ادبیات کنایه‌آمیز چه از سوی بازیکنان فعلی و چه از سوی پیشکسوتان در حال تبدیل شدن به رویه‌ای عادی است که در نهایت به بی‌احترامی و تخریب چهره‌ها منجر می‌شود. در حالی که فوتبال ایران بیش از هر زمان دیگری به هم‌افزایی میان نسل‌ها نیاز دارد؛ جایی که پیشکسوتان با انتقال تجربه و دانش، به ارتقای نسل جدید کمک کنند و بازیکنان فعلی نیز

با پذیرش نقد و پرهیز از واکنش‌های احساسی، مسیر رشد خود را هموارتر سازند. اطلاق عنوان «نسل طلایی» به هر دوره‌ای از فوتبال، زمانی معنا پیدا می‌کند که با دستاوردهای ملموس و پایدار همراه باشد. تاریخ فوتبال ایران نشان داده که هیچ نسلی به‌تنهایی حامل تمام افتخارات نیست و هر موفقیت بر شانه‌های نسل‌های پیشین بنا شده است. از این‌رو، به‌جای رقابت بر سر برتری تاریخی، باید به دنبال شکل‌گیری روایتی مشترک از پیشرفت فوتبال ایران بود؛ روایتی که در آن، همه نسل‌ها سهم دارند.

عبور از این فضای دو قطبی، مستلزم بازگشت به عقلانیت رسانه‌ای و تقویت فرهنگ نقد سازنده است. فوتبال، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عرصه‌های اجتماعی، می‌تواند بستری برای همبستگی باشد، نه شکاف. تحقق این هدف، در گرو پذیرش این واقعیت است که موفقیت، محصول تداوم و تعامل است، نه تقابل و حذف.



عکس: www.gettyimages.com

فنی تیم ملی پس از سه تساوی در جام جهانی تلاش کردند آن را به یک دستاورد بزرگ تبدیل کنند، در حالی که به نظر من سه امتیاز در یک گروه، دستاورد محسوب نمی‌شود. تساوی مقابل تیمی مانند نیوزیلند که تیمی معمولی بود و بازی با بلژیک ۱۰ نفره که بازیکنانش در شرایط همیشگی نبودند، کار بزرگی به حساب نمی‌آید؛ هرچند نباید تلاش بازیکنان را نادیده گرفت. عملکرد بازیکنانش در شرایط همیشگی نبودند، حتی می‌توانستند با شکست برزیل به جمع جام جهانی برسند. ولی در همان استادیوم از هواداران عذرخواهی کردند تا نشان دهند بابت این اتفاق ناراحت هستند. اما در تیم ملی ما چنین اتفاقی رخ نداد.»

فنی تیم ملی پس از سه تساوی در جام جهانی تلاش کردند آن را به یک دستاورد بزرگ تبدیل کنند، در حالی که به نظر من سه امتیاز در یک گروه، دستاورد محسوب نمی‌شود. تساوی مقابل تیمی مانند نیوزیلند که تیمی معمولی بود و بازی با بلژیک ۱۰ نفره که بازیکنانش در شرایط همیشگی نبودند، کار بزرگی به حساب نمی‌آید؛ هرچند نباید تلاش بازیکنان را نادیده گرفت. عملکرد بازیکنانش در شرایط همیشگی نبودند، حتی می‌توانستند با شکست برزیل به جمع جام جهانی برسند. ولی در همان استادیوم از هواداران عذرخواهی کردند تا نشان دهند بابت این اتفاق ناراحت هستند. اما در تیم ملی ما چنین اتفاقی رخ نداد.»

فنی تیم ملی پس از سه تساوی در جام جهانی تلاش کردند آن را به یک دستاورد بزرگ تبدیل کنند، در حالی که به نظر من سه امتیاز در یک گروه، دستاورد محسوب نمی‌شود. تساوی مقابل تیمی مانند نیوزیلند که تیمی معمولی بود و بازی با بلژیک ۱۰ نفره که بازیکنانش در شرایط همیشگی نبودند، کار بزرگی به حساب نمی‌آید؛ هرچند نباید تلاش بازیکنان را نادیده گرفت. عملکرد بازیکنانش در شرایط همیشگی نبودند، حتی می‌توانستند با شکست برزیل به جمع جام جهانی برسند. ولی در همان استادیوم از هواداران عذرخواهی کردند تا نشان دهند بابت این اتفاق ناراحت هستند. اما در تیم ملی ما چنین اتفاقی رخ نداد.»

فنی تیم ملی پس از سه تساوی در جام جهانی تلاش کردند آن را به یک دستاورد بزرگ تبدیل کنند، در حالی که به نظر من سه امتیاز در یک گروه، دستاورد محسوب نمی‌شود. تساوی مقابل تیمی مانند نیوزیلند که تیمی معمولی بود و بازی با بلژیک ۱۰ نفره که بازیکنانش در شرایط همیشگی نبودند، کار بزرگی به حساب نمی‌آید؛ هرچند نباید تلاش بازیکنان را نادیده گرفت. عملکرد بازیکنانش در شرایط همیشگی نبودند، حتی می‌توانستند با شکست برزیل به جمع جام جهانی برسند. ولی در همان استادیوم از هواداران عذرخواهی کردند تا نشان دهند بابت این اتفاق ناراحت هستند. اما در تیم ملی ما چنین اتفاقی رخ نداد.»



آینده، رسیدن به جمع چهار تیم برتر آسیا هم ممکن است به آرزو تبدیل شود. شاید دیگر واژه‌ای به نام نسل طلایی نداشته باشیم، اما این مسأله را باید به جام ملت‌های آسیا فکر کرد. شاید بازی‌های تدارکاتی کافی نداشتند و با کمبودهایی مواجه بودند، اما باید گفت خسته نباشید و پرونده را بست. ادامه دادن این بحث‌ها فقط نتیجه منفی دارد.»

او درباره توضیح می‌دهد: «فوتبال ایران ۵۰ سال است قهرمان آسیا نشده و حتی در

یک توصیه کاملاً جدی برای تمام بازیکنان فعلی تیم ملی دارم که امیدوارم آن را جدی بگیرند، برنده فوتبال در زمین مسابقه تعیین می‌شود، نه در شبکه‌های اجتماعی

یادداشت



ابراهیم قاسمیپور مربی پیشین تیم ملی

نسل کم طاقت فوتبال ایران

نسل فعلی فوتبال، در مقایسه بانسل‌های پیشین، از نگاه بسیاری از اهالی فوتبال، کم‌تحمّل‌تر به نظر می‌رسد. این ویژگی‌ها برخی اوقات به بروز رفتارهای ساختارشکنانه‌ای منجر شده که برای جامعه چندان قابل پذیرش نیست. حتی در مواردی مشاهده می‌شود که این نسل حرمت پیشکسوتان و بزرگ‌ترهای خود را نیز آن‌گونه که شایسته است، حفظ نمی‌کند. این در حالی است که فوتبالبست‌های امروز از نظر ظالی در وضعیت به‌مراتب بهتری قرار دارند و درآمد‌های قابل توجهی کسب می‌کنند؛ اما به نظر می‌رسد یکی از دلایل اصلی بروز چنین رفتارهایی، پایین بودن آستانه تحمل آنان در برابر نقد و انتقاد است. ملی‌پوشان این نسل حتی انتقادهای فنی نسبت به عملکرد خود را نیز بر نمی‌تابند و به‌سرعت موضوع‌گیری می‌کنند، در حالی که حرفه‌ای‌ترین واکنش، سکوت و پذیرش نقد در چارچوب اصول حرفه‌ای است. شاید انتقادهای فنی رفت مسئولان فدراسیون فوتبال، بیش از پیش بر ضرورت احترام به پیشکسوتان و فرهنگ سکوت در برابر نقدهای سازنده تأکید کنند. چرا که نوع پوشش، شیوه سخن گفتن و رفتار یک ورزشکار، بازتابی از شخصیت و میزان بلوغ حرفه‌ای اوست.

با همه این اوصاف، مردم ایران در هر نسل از فوتبال، خاطراتی ماندگار چه تلخ و چه شیرین را تجربه کرده‌اند. با این حال، با توجه به اینکه تیم ملی فوتبال ایران در نیم‌قرن اخیر موفق به کسب عنوان قهرمانی آسیا نشده، به‌سختی می‌توان از «نسل طلایی» سخن گفت.

در نسل‌های گذشته، بازیکنانی چون علی دایی، کریم باقری و مهدی مهدوی کیا نه‌تنها از نظر فنی در سطح بالایی قرار داشتند، بلکه از حیث اخلاقی نیز الگو محسوب می‌شدند. حتی اگر به نسل‌های قدیمی‌تر بازگردیم، چهره‌هایی مانند حسین کلائی، حمید برمکی و همایون بهزادی، از منظر فنی و اخلاقی جایگاهی ممتاز داشتند و در برخی موارد، برتر از نسل‌های بعدی ارزیابی می‌شوند.

در تیم ملی فعلی نیز هرچند ممکن است بازیکنان شاخصی از نظر فنی حضور داشته باشند، اما از دیدگاه اخلاقی حرفه‌ای، تعداد چهره‌های الگو به انگشتان یک دست هم نمی‌رسد. رفتارهایی که بویژه پس از جام جهانی از برخی ملی‌پوشان سر زده، کمتر در میان فوتبالبست‌های حرفه‌ای جهان مشاهده می‌شود.

مستطیل سبز

پایان تلخ خروس‌ها با رکوردشکنی امپایه

افتخارآفرینی سه شیرها

پس از ۶۰ سال

گروه ورزشی / میامی، صحنه یکی از دیوانه‌وارترین بازی‌های تاریخ جام جهانی بود؛ جایی که دیدار رده‌بندی ۲۰۲۶ میان انگلیس و فرانسه، نه یک مسابقه تشریفاتی، بلکه مارااتنی ۱۰ گله و نمایشی تمام‌عیار از جسارت هجومی شد. انگلیس با پیروزی ۴-۰، نه‌تنها اولین برد خود در تاریخ بازی‌های رده‌بندی را ثبت کرد، بلکه پس از شصت سال، بار دیگر روی سکوی جام جهانی ایستاد؛ موفقیتی که از حیث اهمیت، تنها با قهرمانی ۱۹۶۶ قابل مقایسه است. این مسابقه، فراتر از یک نتیجه، روایت قابل دو فلسفه بود: انگلیس تحت هدایت توخل با ساختاری منظم، اما جسور در فاز تهاجمی، در برابر فرانسه‌ای که همچنان بر نبوغ فردی و انتقال‌های سریع تکیه داشت. در چنین فضایی، یوکیو یو ساکا به چهره اول میدان بدل شد؛ ستاره‌ای که با هت‌تریک خود، هم تاریخ‌سازی کرد و هم جریان بازی را در حساس‌ترین لحظات به سود تیمش تغییر داد.

در سوی مقابل، کلبیان امپایه، اگرچه در تیم بازنده قرار گرفت، اما با دو گل دیگر، مجموع گل‌های خود در این دوره را به عدد خبره‌کننده ده رساند؛ آماري که او را به اثرگذارترین بازیکن یک دوره از جام‌های جهانی تبدیل کرد. کارنامه فرانسه نیز، با وجود این شکست، همچنان تصویری متوازن از ثبات در سطح بالا ارائه می‌دهد؛ تیمی که در سال‌های اخیر از هر تبت‌ای سهمی داشته و همواره در جمع مدعیان باقی مانده است. این دیدار، یکی از پرگل‌ترین مسابقات تاریخ رده‌بندی جام جهانی محسوب می‌شود؛ جایی که خطوط دفاعی در برابر ریتسم سرسام‌آور حملات، بارها تسلیم شدند. انگلیس با بهره‌گیری کاداکتری از کناره‌ها و تحرک بالای وینگرها، بارها ساختار دفاعی فرانسه را بر هم زد و در مقابل، خروس‌ها نیز با اتکا به سرعت انتقال و کیفیت فردی، هرگز در جریان بازی خارج نشدند. در یک تعریف کوتاه از این تقابل می‌توان گفت: این مسابقه، بیش از آن‌که دیداری برای تعیین رتبه سوم باشد، جشنواره‌ای از فوتبال تهاجمی و نمادی از تغییر رویکرد تیم‌ها در سطح اول جهان بود؛ جایی که ریسک‌پذیری، خلاقیت و بی‌پروایی، جای محافظه‌کاری سنتی را گرفته است.